یادداشت

دانه‌های تلخ سوداگری

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

دانه‌های سپید برنج، این روزها در سیاهچاله‌ای از سوداگری، دلالی، احتکار و بی‌نظارتی گرفتار شده‌اند و دود این سوداگری، مستقیم به چشم مردم می‌رود. چرا قیمت برنج، این قوت غالب و جزء جدانشدنی(خوب یا بد) از سفره خانوار ایرانی، باید در چنین وضعیتی ناپایدار و ملتهب قرار گیرد؟ آیا معیشت مردم باید به بازی دست سودجویانی تبدیل شود که انبارها را از برنج پر می‌کنند، نه برای تأمین بازار، بلکه برای بالا بردن قیمت‌ها و پر کردن جیب خود؟

در گزارش صفحه ۱۲ امروز «جوان» تشریح کرده‌ایم که سوداگران با عرضه قطره‌چکانی کالاهای ضروری سفره مردم از جمله برنج، شوک روانی بزرگی به بازار وارد کرده‌اند. مسئله اساسی، تنها افزایش قیمت نیست؛ مسئله، بی‌منطقی و بی‌مبنایی این افزایش است. هر کالایی در یک اقتصاد سالم، تابع عرضه و تقاضا، هزینه تولید و عوامل محیطی قیمت‌گذاری می‌شود، اما در خیلی از بازارها از جمله برنج، این فرمول‌ها از کار افتاده‌اند. در عوض، این دلالان، واسطه‌ها و محتکرانند که نبض قیمت را در دست گرفته‌اند. آنها از نبود نظارت کافی، ناهماهنگی بین نهادهای نظارتی و حتی خلأهای قانونی بهره می‌برند تا کالاها را به مثابه ابزار سوداگری نگاه کنند.

هرچند دستگاه‌های متولی امر اقتصاد، در ظاهر مأمور کنترل قیمت‌ها و نظارت بر بازار هستند، اما تجربه نشان می‌دهد تا زمانی که ابزارهای قاطع قضایی فارغ از «تعارض منافع»ها به میان نیاید، این سودجویان کماکان در حاشیه امن فعالیت خواهند کرد.

امروز در برابر دو پرسش مهم قرار داریم:

نخست، آیا قیمت برنج در بازار براساس هزینه تولید داخلی یا واردات تعیین می‌شود؟

دوم، چرا با وجود عرضه برنج ایرانی و وارداتی، باز هم قیمت‌ها سر به فلک کشیده است؟

پاسخ به این دو پرسش، ریشه‌ای‌ترین مشکل بازار را روشن می‌کند: «انحصار و احتکار.» واقعیت آن است که برخی سودجویان با در اختیار داشتن منابع مالی و ارتباطات خاص، در فصل برداشت برنج از کشاورزان، آن را با قیمت‌های ناچیز می‌خرند، سپس آن را در انبارهای خارج از نظارت رسمی نگهداری و در مقاطع زمانی خاص، با قیمت‌های گزاف به بازار تزریق می‌کنند. این رفتار، مصداق کامل «احتکار» است و باید با آن برخورد قاطع صورت گیرد. اینجا دیگر بحث اقتصادی صرف مطرح نیست، مسئله، نقض حقوق عامه مردم است. زمانی که قشر متوسط و ضعیف جامعه، توان تهیه قوت غالب خود را نداشته باشند، سخن از عدالت اجتماعی و اقتصاد مقاومتی، چیزی جز واژگان پوچ نخواهد بود.

در چنین شرایطی، قوه قضائیه باید حضوری فعال‌تر و تعیین‌کننده‌تر در میدان داشته باشد. مبارزه با احتکار و گران‌فروشی، نه‌فقط وظیفه سازمان‌های تعزیراتی یا وزارت صمت، بلکه تکلیف دستگاه قضایی در پاسداری از حقوق مردم است. هرگونه احتکار مواد غذایی مورد نیاز عموم، ظلم به مردم بوده و باید مستوجب مجازات‌های مشخص باشد. علاوه بر این، انحصار در توزیع کالاهای اساسی، مصداق بارز اخلال در نظام اقتصادی کشور است.

دستگاه قضایی می‌تواند با استفاده از اختیارات قانونی خود، از جمله ورود مدعی‌العموم، شناسایی انبارهای غیررسمی، پیگیری پرونده‌های کلان احتکار و اخلال، برخورد با شبکه‌های واسطه‌ای و حتی صدور احکام بازدارنده، به میدان بیاید. این حضور، نه تنها اطمینان مردم به عدالت را افزایش می‌دهد، بلکه نشانه‌ای از جدیت حاکمیت در دفاع از معیشت عمومی خواهد بود.

کشاورز شمالی ما، در شالیزار خود با هزینه‌های بالا-از بذر، کود و آب گرفته تا اجاره دستگاه‌های برداشت-محصولی تولید می‌کند که در نهایت، کیلویی شاید ۸۰ تا ۱۲۰هزار تومان تمام شود. این برنج، اگر مستقیماً به دست مصرف‌کننده برسد، حتی با سود معقول برای فروشنده، نباید بیشتر از ۱۵۰هزار تومان قیمت داشته باشد، اما در واقعیت، همین برنج با قیمت تا ۳۰۰هزار تومان در فروشگاه‌ها عرضه می‌شود.

چرا؟ چون در میان کشاورز و خریدار، چندین لایه واسطه، باربری، دلال و انباردار قرار گرفته‌اند که هر کدام بدون ارزش‌افزوده واقعی، سهمی از قیمت نهایی را برای خود برمی‌دارند. از سوی دیگر، برنج‌های وارداتی - که عمدتاً از هند و پاکستان- باید با نرخ ارز ترجیحی یا نیمایی و تعرفه‌های مشخص، وارد بازار شوند، اما حتی این برنج‌ها نیز به جای آنکه کمک‌کننده به تنظیم بازار باشند، گاهی با قیمت‌هایی همپای برنج ایرانی به فروش می‌رسند. علت، دوباره به انحصار و ضعف نظارت بازمی‌گردد.

بی‌تردید، بازار برنج، باوجود تمام پیچیدگی‌ها و چالش‌های موجود، بازاری قابل مدیریت است. آنچه امروز سد راه سامان‌یابی این بازار شده، نه نبود منابع یا ابزار، بلکه نبود اراده‌ای واحد و منسجم برای مقابله با ناهنجاری‌های آن است. تجربه‌های موفق داخلی و خارجی نشان داده‌اند که هر بازار، حتی آشفته‌ترین آنها، با اراده‌ای قوی و مدیریتی اصولی، قابل اصلاح است.

بنابراین نمی‌توان پذیرفت که بازار برنج، با قدمت تولید و مصرف دیرینه‌اش، گرفتار چنین آشوبی باقی بماند. مدیریت بازار برنج، قبل از هر چیز، مستلزم آن است که مسئولان ذی‌ربط، دغدغه معیشت مردم را فراتر از ملاحظات اداری و جزیره‌ای ببینند. تا زمانی که وزارتخانه‌های کشاورزی، صمت، جهاد و نهادهای نظارتی، هر یک ساز خود را بزنند، این بازار به ساحل آرامش نخواهد رسید. بازار برنج، همچون هر کالای اساسی دیگر، نیازمند «نقشه راهی روشن» و «فرماندهی متمرکز» است که تصمیم‌ها را شجاعانه، سریع و منسجم اتخاذ کند.

اراده برای مدیریت بازار، زمانی معنا پیدا می‌کند که دولت و دستگاه‌های مسئول، «منافع عمومی» را بر «منافع گروهی» ترجیح دهند. اگر اراده‌ای جدی برای شفاف‌سازی جریان واردات و توزیع، حذف رانت‌خواران، واسطه‌گران و حمایت هدفمند از تولید داخلی وجود داشته باشد، سامان‌بخشی به بازار برنج نه‌تنها ممکن که دست‌یافتنی خواهد بود. مردم بارها نشان داده‌اند در سختی‌ها همراهی می‌کنند، اگر نشانه‌ای از صداقت و عدالت در رفتار مسئولان ببینند. اگر مردم احساس کنند نظام توزیع و قیمت‌گذاری بر پایه انصاف، قانون و نظارت واقعی استوار است، هم دلگرم می‌شوند و هم مشارکت می‌کنند، اما اگر ببینند که عده‌ای خاص، در خلأ نظارت، سودهای نجومی می‌برند و آنان باید تاوانش را بپردازند، بی‌اعتمادی جای هرگونه همکاری را خواهد گرفت.

بازار برنج، قابل مدیریت است، به شرط آنکه حاکمیت تصمیم بگیرد با دلالان و محتکران، همان‌گونه برخورد کند که با مفسدان کلان اقتصادی. سفره مردم، خط قرمز عدالت اجتماعی است و هیچ مصلحتی نباید بالاتر از صیانت از این سفره قرار گیرد. این مهم، اگر با اراده آغاز شود، با موفقیت به پایان خواهد رسید. باید بپذیریم که مردم در عرصه اقتصادی، همان‌قدر نیازمند حمایت هستند که در مسائل سیاسی و فرهنگی. سفره مردم، ویترین عدالت اجتماعی و کارآمدی اقتصادی یک کشور است. اگر امروز نتوانیم قیمت یک کالای اساسی چون برنج را با عقلانیت و عدالت مدیریت کنیم، فردا نخواهیم توانست اعتماد مردم را به نظام اقتصادی کشور حفظ کنیم.

گزارش یک

بهناز قاسمی

اژه‌ای علیه گرانی برنج

رئیس قوه قضائیه: مسئولان قضایی با سوداگری در بازار برنج مقابله کنند. افزایش بی‌دلیل قیمت کالاهای اساسی و مایحتاج مردم هرگز پذیرفتنی نیست

رضا دهشیری | جوان

قیمت ۳۵۰ تا ۴۰۰هزار تومانی برنج، داد همه را درآورده، از اقشار مختلف مردم گرفته تا رئیس قوه قضائیه، همگی از گرانی قیمت کالاهای مصرفی مردم گله‌مندند، به طوری که رئیس قوه قضائیه با هشدار به سوداگرانی که با گران‌فروشی و احتکار کنترل بازار مواد غذایی را به دست گرفته‌اند، خطاب به مسئولان قضایی می‌گوید: با سوداگری در بازار برنج مقابله کنید. افزایش بی‌دلیل قیمت کالاهای اساسی و مایحتاج مردم هرگز پذیرفتنی نیست.

این روزها به هر مغازه و فروشگاهی که مراجعه می‌کنیم یا برنج ایرانی موجود نیست یا اگر هم باشد، قیمتش ۳۵۰ تا ۴۰۰هزار تومان است. با یک حساب سرانگشتی، هر پیمانه برنج حدود ۵۵هزار تومان قیمت دارد. گزارش میدانی خبرنگار «جوان» حاکی است بنکداران برنج برای داغ کردن بازار و متقاعد کردن مشتریان برای خرید گران برنج، شایعه‌سازی و به مشتریان تأکید می‌کنند که برنج در بازار کم است، دولت ارز ندارد برنج وارد کند، برنج ایرانی هم در انبارها ته کشیده... بعد از اینکه مشتری را حسابی نگران می‌کنند، با منت می‌گویند، من هم ته انبارم چند کیسه بیشتر ندارم، اگر می‌خواهید ببرید، والا باید کیلویی ۵۰۰هزار تومان بخرید!

و به این ترتیب با خالی کردن دل مشتریان به نگرانی مردم و صد البته افزایش قیمت برنج دامن می‌زنند. به گفته آنها تا ورود برنج تازه به بازار ۲/۵ماه مانده است. قیمت‌ها بالا می‌رود! جملات بالا ورد زبان همه برنج‌فروشان پایتخت است. این اظهارات و شایعه‌سازی‌ها در حالی است که به اصطلاح نه جنگ است و نه دلار گران شده، اما مافیایی که متأسفانه به جان بازار برنج افتاده، از هر شایعه‌سازی و بهانه‌ای برای پر کردن جیب‌شان سوءاستفاده می‌کند.

■ بازار برنج در وضعیت انفجار قیمت

قیمت برنج ایرانی تابستان امسال شباهتی به سال گذشته ندارد. یک سال قبل در چنین روزهایی از تورم منفی برنج حرف می‌زدیم، اما الان مرکز آمار ایران تورم سالانه برنج ایرانی و خارجی را بالای ۵۰درصد اعلام می‌کند. از ابتدای خرداد ماه دومینوی افزایش قیمت‌ها در بازار خوراکی به برنج و بعد از سیب‌زمینی و لبنیات، نوبت به گران شدن کیسه‌های برنج ایرانی رسید.

بررسی‌های بازار نشان می‌دهد قیمت برنج ایرانی تا مرز کیلویی ۳۵۰ تا ۴۰۰هزار تومان جلو رفته است. فعالان بازار و مسئولان مربوط، بدون تعارف از احتکار برنج ایرانی خبر می‌دهند و مسئولان سازمان جهاد کشاورزی با اضافه کردن برنج تنظیم بازاری امیدوار به بازگشت آرامش به بازار هستند.

■ چه کسانی افزایش قیمت را کلید زدند

«ابرشرکت‌هایی که سهم زیادی در بازار برنج دارند، عامل گرانی قیمت هستند، آنها معیشت مردم را به گروگان گرفته‌اند» اینها صحبت‌های غلامرضا نوری، وزیر جهاد کشاورزی خرداد ماه امسال، پس از افزایش قیمت برنج در بازار به کیلویی ۲۵۰هزار تومان است. سرمایه‌گذاران برنج را در انبارهای خود ذخیره و قطره‌چکانی به بازار عرضه می‌کنند.

به گفته وزیر جهاد کشاورزی، چندین شرکت فعال در حوزه بازرگانی برنج و غول شرکت‌های صنایع غذایی طی دو سال گذشته برنج را زمان برداشت کیلویی ۷۰ تا ۹۰هزار تومان خریدند و اکنون سه برابر قیمت می‌فروشند، همچنین در همان زمان، شالیکاران شمال معتقد بودند نیاز به نقدینگی برای تأمین مخارج و تأمین هزینه کشت بعدی، آنها را در دام دلالان و واسطه‌ها می‌اندازد، برنجی دست کشاورز نیست و همه در انبار دلالان است. چین و هندوستان تولیدکنندگان بزرگ برنج با تأمین نقدینگی و ارائه تسهیلات کم‌بهره و خرید تضمینی از شالیکاران حمایت می‌کنند اما در ایران خبری از حمایت نیست.

این روند گرانی در خرداد ماه با آغاز جنگ تحمیلی رژیم‌صهیونیستی به اوج خود رسید و مافیای فعال در بازار قیمت‌ها را گران کردند. اکنون نیز با شایعه‌سازی به دنبال تثبیت قیمت روی ۵۰۰هزار تومان هستند.

بدیهی است در شرایط فعلی باید سایر نهادهای نظارتی مانند قوه قضائیه وارد میدان شوند و دست محتکران و سوداگران را از سفره‌های مردم کوتاه کنند، البته این گرانی‌ها مختص برنج نیست، بلکه سایر اقلام مانند گوشت قرمز، حبوبات، قند، شکر و چای برای افزایش قیمت در حال رقابت هستند.

■ دستور رئیس قوه قضائیه برای مقابله با گران‌فروشی و احتکار

رئیس قوه قضائیه در نشست شورای عالی قوه قضائیه خطاب به مسئولان این قوه از شرایط موجود افزایش قیمت اظهار نارضایتی می‌کند و می‌گوید: در همه شرایط به ویژه شرایط فعلی، باید نسبت به کنترل بازار و مقابله با هرگونه گران‌فروشی و احتکار، اهتمام ویژه داشت. افزایش بلاوجه قیمت ارزاق عمومی و مایحتاج مردم به هیچ وجه قابل قبول نیست.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای با اشاره به اهمیت مقوله کنترل بازار و مقابله با هرگونه گران‌فروشی و احتکار می‌افزاید: در همه احوالات و شرایط، به ویژه شرایط فعلی، باید نسبت به مقوله کنترل بازار و مقابله با هرگونه گران‌فروشی و احتکار، اهتمام و توجه داشت.

وی تأکید می‌کند: افزایش بلاوجه قیمت ارزاق عمومی و مایحتاج مردم به هیچ وجه قابل قبول نیست، به طور مثال طی روزهای اخیر قیمت برنج با رشد غیرمعمول مواجه بوده، کاملاً واضح است که عایدی این افزایش قیمت به جیب کشاورزان زحمتکش نمی‌رود و در این میان، افراد دیگری در حال سوداگری هستند، بنابراین مسئولان ذی‌ربط قضایی مکلفند در این خصوص بررسی‌های لازم را به عمل آورند و گزارشات مربوط را برای اتخاذ ترتیبات مقتضی ارائه دهند.

■ تقویت نظارت، رکن اصلی مدیریت بازار

از آنجا که برنج کالای اساسی است و کمبود آن به سرعت قیمت‌ها را افزایش داده و فشار معیشتی را تشدید می‌کند، به همین جهت وابستگی به واردات برنج آن هم در صورت کمبود تولید داخلی در شرایط جنگ خطرناک است، بنابراین دولت باید با نظارت دقیق بر انبارها و بازار از احتکار جلوگیری و با حمایت از کشاورزان مانند افزایش بهره‌وری تولید برنج داخلی با تأمین آب، کود و تسهیلات حمایت از کشاورزان اقدام کند.

بدیهی است در شرایط جنگ اقتصادی، دشمنان با تحریک بازار سیاه یا شایعات ممکن است کمبودها را تشدید کنند تا نارضایتی اجتماعی ایجاد شود، بنابراین مسئولان مربوط باید در توزیع یا تولید کوتاهی نکنند تا ناخواسته به اهداف دشمن کمک نشود.

خبر

۵ نکته درباره فراخوان واردات خودرو

وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) با انتشار فراخوانی رسمی از شرکت‌های حقوقی دعوت به عمل آورد تا برای واردات خودروهای سواری نو و کارکرده، مطابق بند (ر) تبصره (۱) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۴ و تصویب‌نامه هیئت وزیران، اقدام به ثبت‌نام و ارائه مدارک کنند. این اقدام، هرچند در ظاهر، تلاشی در جهت باز شدن فضای رقابتی در بازار خودرو و تأمین نیاز داخلی قلمداد می‌شود، اما از جهات مختلفی قابل نقد و تحلیل است.

۱- نگاه کلی به سیاست واردات خودرو: سیاست واردات خودرو همواره تحت تأثیر عوامل متعددی همچون فشارهای سیاسی، نوسانات ارزی، حمایت از تولید داخلی و محدودیت‌های بین‌المللی بوده است. در این میان، فراخوان اخیر در ادامه سیاست‌های دولت در خصوص «آزادسازی محدود واردات» قابل تحلیل است. با این حال، اگرچه ایجاد رقابت در بازار خودرو و پاسخگویی به تقاضای انباشته‌شده جامعه ضرورتی انکارناپذیر است، اما این فراخوان بیشتر رنگ و بوی کنترل‌شده و مدیریت‌شده از سوی حلقه‌های خاص دارد تا حرکت به سمت بازار آزاد و رقابت واقعی.

۲- انحصار در واردات و عدم‌شفافیت در فرایند انتخاب شرکت‌ها: از مواردی که در فراخوان صراحتاً آمده، ارزیابی شرکت‌های متقاضی بر اساس «شاخص‌های رقابتی مصوب کمیته خودرو» است. اما پرسش اساسی این است که این شاخص‌ها چیست؟ چه کسی آنها را تعیین می‌کند و چرا به صورت عمومی منتشر نشده‌اند؟ عدم‌شفافیت در معیارهای انتخاب شرکت‌ها، عملاً فضای رقابتی را مخدوش می‌کند و شائبه «رانت» را پررنگ‌تر می‌سازد. سابقه واردات خودرو در کشور نشان داده است در بسیاری از موارد، شرکت‌هایی خاص و وابسته به نهادهای ذی‌نفوذ مجوز واردات را دریافت می‌کنند و در مقابل، بخش خصوصی واقعی و شرکت‌های مستقل عملاً کنار گذاشته می‌شوند.

۳- ابهام در تأمین ارز و تأثیر آن بر اقتصاد کلان: یکی از بخش‌های مبهم در این فراخوان، اشاره به تأمین ارز از محل‌هایی چون ارز خود، صادرات خود یا صادرات دیگران است، این در حالی است که در عمل، تأمین ارز برای واردات به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند خودرو، مستقیماً با سیاست‌های ارزی کشور گره خورده است. آیا واقعاً شرکت‌های خصوصی می‌توانند به‌راحتی ارز مورد نیاز را تأمین کنند؟ یا این فراخوان فقط در راستای ایجاد ظاهر قانونی برای واردات گروه‌های خاص تدوین شده است؟ از سوی دیگر، واردات خودرو، بدون سیاستگذاری شفاف ارزی، می‌تواند تبعات تورمی برای اقتصاد کلان به همراه داشته باشد، به‌ویژه در شرایطی که دولت با کسری بودجه و محدودیت‌های ارزی مواجه است.

۴- ورود خودروهای کارکرده و ریسک‌های اجتماعی و زیست‌محیطی: یکی از نکات بحث‌برانگیز در این فراخوان، مجوز واردات خودروهای کارکرده با سن زیر پنج سال است، هرچند این موضوع از یک سو می‌تواند به کاهش قیمت تمام‌شده برای مصرف‌کننده منجر شود، اما از سوی دیگر، نگرانی‌هایی را در حوزه ایمنی، آلایندگی و خدمات پس از فروش ایجاد می‌کند. در حال حاضر، سیستم فنی و نظارتی کشور برای بررسی دقیق وضعیت خودروهای کارکرده وارداتی ظرفیت کافی ندارد، همچنین تجربه کشورهای همسایه مانند عراق نشان داده است که واردات گسترده خودروهای کارکرده، می‌تواند به افزایش آلودگی هوا و کاهش ایمنی رانندگی منجر شود.

۵- خدمات پس از فروش؛ شرط لازم، اما نه کافی: یکی از شروط مهم در این فراخوان، الزام به دریافت تأییدیه خدمات پس از فروش از مراجع ذی‌ربط است. هرچند این موضوع در ظاهر به نفع مصرف‌کننده است، اما با توجه به تجربه‌های گذشته، این تأییدیه‌ها اغلب صوری بوده و در عمل، مصرف‌کننده با نبود قطعه، نبود گارانتی واقعی و خدمات ضعیف مواجه می‌شود. تا زمانی که چارچوب قانونی مشخصی برای ضمانت واقعی خدمات پس از فروش وجود نداشته باشد، این شرط نیز تنها به ابزاری برای حذف رقبا تبدیل می‌شود.

بازار

طلا چه می‌گوید؟

قیمت طلای ۱۸ عیار در بازار داخلی روز دوشنبه به ۷۲میلیون و ۲۷۳هزار ریال به ازای هر گرم رسیده است. این نرخ نشان‌دهنده رشد یک‌درصدی نسبت به روز یک‌شنبه (با قیمت ۷۱میلیون و ۵۵۷هزار ریال) است که افزایش ۷۱۶هزار ریالی را در پی داشته است. این افزایش در شرایطی رخ داده که بازار با نوسانات محدود و آرامی مواجه بوده و بیشترین نوسان ثبت‌شده در روز ۱۷۳هزار ریال (حدود ۰/۲۱درصد) بوده است.

بازه قیمتی روز دوشنبه نیز بین ۷۱میلیون و ۳۴۰هزار ریال (کف روزانه) تا ۷۲میلیون و ۶۳۰هزار ریال (سقف روزانه) بود که نشان می‌دهد بازار با ثبات نسبی همراه با تمایل به رشد آرام مواجه بوده است. نرخ بازگشایی نیز ۷۱میلیون و ۷۱۶هزار ریال بود که کمتر از نرخ پایانی کنونی است و این خود نشان‌دهنده حرکت صعودی بازار در ساعات معاملاتی روز است.

از نگاه تحلیل فاندامنتال، افزایش نرخ طلا می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند رشد قیمت دلار، افزایش تقاضا برای طلا در بازار داخلی یا تنش‌های اقتصادی و سیاسی باشد که تمایل به خرید دارایی‌های امن مانند طلا را بیشتر می‌کند. به طور خاص، در ایران، نوسانات نرخ ارز نقش تعیین‌کننده‌ای در قیمت طلا دارد. در تحلیل تکنیکال، اگر روند صعودی ادامه‌دار باشد و مقاومت ۷۲میلیون و ۶۳۰هزار ریال شکسته شود، احتمال حرکت به سمت سطوح بالاتر وجود دارد، اما در صورت اصلاح قیمتی، حمایت کلیدی در محدوده ۷۱میلیون و ۳۰۰هزار ریال می‌تواند نقطه بازگشت بازار باشد.

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای

روابط عمومی

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران – مدیریت بازرگانی

موضوع مناقصه: خرید تعداد ۶۵ عدد پالسر و ۶۵ عدد کانتر میتر طی تقاضای شماره DVD-01258-TR

تاریخ، مهلت، نشانی محل دریافت وتحویل استعلام کیفی مناقصه گران: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی خرید تعداد ۶۵ عدد پالسر و ۶۵ عدد کانتر میتر را به شماره نیاز ۲۰۰۴۰۹۲۹۳۵۰۰۰۰۳۰ ازطریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و ازبین تامین کنندگان کالا (تولیدکنندگان /فروشندگان) برگزار نماید و کلیه مراحل برگزاری فراخوان عمومی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه الزاماً از طریق درگاه سامانه مذکور به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد. تاریخ انتشار فراخوان درسامانه تاریخ ۱۴۰۴/۴/۲۲ می باشد.

اطلاعات واسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی وارسال دعوتنامه به آدرس سامانه ستادبرای مناقصه گران ارسال خواهدشد.

مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۴/۲۹

مهلت ارسال مدارک ارزیابی کیفی: روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۵/۱۲

آدرس: تهران – خیابان ایرانشهرشمالی – روبروی پارک هنرمندان – جنب خیابان برادران شاداب – پلاک ۱ – طبقه دوازدهم اداره خریدهای داخلی – شماره تماس ۸۸۲۳۷۰۸۵ – ۸۴۱۲۱۸۳۵ مبلغ معامله برای مناقصه یادشده ۲۹۰،۱۶۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال برآورد شده است.

تضمین شرکت در فرآیند رجاع کار: مبلغ ۱۴،۵۰۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال می باشد، که براساس آئین نامه تضمین درمعاملات دولتی قابل ارائه می باشد.

ضمناً آگهی درسامانه های MONAGHESE.NIOPDC.IR، همچنین سایت HTTP..//IETS.MPORG.IR صرفاً جهت اطلاع قابل رویت می باشد.

اطلاعات تماس سامانه ستاد: مرکز تماس ۰۲۱۱۴۵۶ دفتر ثبت نام ۸۵۱۹۳۷۶۸ – ۸۸۹۶۹۷۳۷

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران

شناسه آگهی: ۱۹۶۲۱۱۶

گزارش ۲

گرانی برق به سرعت برق!

شاخص قیمت تولیدکننده بخش برق در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران منتشر شد؛ گزارشی که گرچه ممکن است در نگاه اول پر از اعداد و درصدها به نظر برسد، اما در دل خود حاوی پیام مهمی برای اقتصاد کشور، صنایع وابسته به انرژی و حتی زندگی روزمره شهروندان است: قیمت برق نسبت به سال قبل جهش کرده، اما سرعت افزایش آن کمی کم شده است.

شاخص قیمت تولیدکننده برق یعنی چه؟ این شاخص نشان‌دهنده قیمتی است که نیروگاه‌های برق بابت فروش برق خود به شرکت‌های توزیع برق دریافت می‌کنند. این شاخص مبنایی برای محاسبه هزینه تولید برق در کشور است و در نهایت می‌تواند روی تعرفه‌های مصرفی مردم و هزینه‌های برق صنایع نیز اثرگذار باشد.

■ اعداد چه می‌گویند؟

طبق این گزارش، شاخص قیمت تولیدکننده برق در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ به عدد ۵۵۱/۵ رسیده است. برای درک این عدد کافی است بدانیم که سال پایه این شاخص، یعنی سال ۱۳۹۵، عدد ۱۰۰ در نظر گرفته شده است.

به عبارت ساده‌تر، طی کمتر از یک دهه، هزینه تولید برق بیش از ۵/۵ برابر شده است، اما مهم‌تر از عدد خام، نرخ تغییر این شاخص در بازه‌های مختلف زمانی است، یعنی اینکه قیمت برق نسبت به قبل چقدر بالا یا پایین رفته. اینجاست که بحث انواع تورم مطرح می‌شود.

■ تورم ماهانه: کاهش چشمگیر شتاب رشد قیمت‌ها

بر اساس گزارش مرکز آمار، تورم ماهانه- که تغییر قیمت نسبت به ماه قبل را نشان می‌دهد- در اردیبهشت ۱۴۰۴ به ۱/۴ درصد رسیده است، این در حالی است که در فروردین همین سال، تورم ماهانه در بخش برق ۲۹/۵ درصد بوده است، یعنی سرعت افزایش قیمت برق نسبت به ماه گذشته، بیش از ۹۰ درصد کاهش یافته است. این کاهش قابل توجه در شتاب رشد قیمت می‌تواند نشانه‌ای از ثبات نسبی در هزینه‌های تولید برق باشد یا اینکه سیاست‌های کنترلی دولت در حوزه انرژی تا حدی اثر گذاشته‌اند، البته هنوز قیمت برق در حال افزایش است، فقط نه با آن سرعت سرسام‌آور ماه قبل.

■ تورم نقطه به نقطه: جهش ۷۱درصدی نسبت به پارسال

اما وقتی تغییر قیمت را نسبت به ماه مشابه سال قبل بررسی می‌کنیم- یعنی اردیبهشت ۱۴۰۳- با تصویر دیگری مواجه می‌شویم.

طبق گزارش منتشرشده، قیمت برق نسبت به اردیبهشت سال گذشته

۷۱/۱ درصد افزایش یافته است. این رقم نسبت به فروردین امسال هم که ۶۵/۲ درصد بود، افزایش یافته و رشد آن ۵/۹ واحد درصد بوده است. به زبان ساده، اگر نیروگاهی پارسال در اردیبهشت برق را با قیمت ۱۰۰ تومان به شرکت توزیع می‌فروخت، امسال همان برق را با حدود ۱۷۱ تومان می‌فروشد. این افزایش سنگین می‌تواند بر قیمت تمام‌شده بسیاری از کالاها و خدمات که به برق وابسته‌اند، اثرگذار باشد و در نهایت فشار تورمی را به مصرف‌کننده نهایی منتقل کند.

■ تورم سالانه: روند افزایشی ادامه دارد

نگاهی به تورم سالانه- یعنی تغییر قیمت در ۱۲ ماه منتهی به اردیبهشت نسبت به ۱۲ ماه مشابه سال قبل هم نشان‌دهنده روندی صعودی است. این عدد در اردیبهشت امسال ۲۴/۶ درصد بوده که نسبت به فروردین (۱۹/۳ درصد)، ۵/۳ واحد درصد افزایش داشته است. این عدد به زبان ساده یعنی میانگین قیمت برق در یک‌سال گذشته، نسبت به سال قبل‌تر، تقریباً یک‌چهارم گران‌تر شده است.

■ جزئیات ساعتی: برق در چه ساعتی بیشتر گران شده؟

نکته جالب در این گزارش، تفکیک شاخص قیمت به سه بازه زمانی پرمصرف (اوج‌بار)، میان‌بار و کم‌بار است. بر اساس داده‌های اردیبهشت‌ماه، در بازه اوج‌بار (ساعات پرمصرف) قیمت برق نسبت به فروردین ۳/۷ درصد کاهش یافته است، در بازه میان‌بار ۳/۸ درصد افزایش و در بازه کم‌بار ۰/۴ درصد افزایش یافته است. این اعداد نشان می‌دهند سیاستگذاران ممکن است برای کنترل مصرف در ساعات اوج، قیمت‌ها را کاهش داده باشند تا مردم و صنایع به ساعات دیگر منتقل شوند.

■ تأثیرات اقتصادی و اجتماعی

گرچه این گزارش مستقیماً به قبوض برق مردم اشاره نمی‌کند، اما اثرات آن غیرمستقیم و بلندمدت است. افزایش قیمت تولید برق، دیر یا زود خود را در قبوض برق نشان می‌دهد؛ چه به شکل افزایش تعرفه، چه در قالب یارانه بیشتر از سوی دولت که خود به افزایش کسری بودجه منجر می‌شود. از سوی دیگر، صنایع انرژی‌بر مانند فولاد، سیمان، پتروشیمی و حتی کشاورزی، با بالا رفتن قیمت برق، با هزینه‌های بیشتری مواجه خواهند شد. این فشار ممکن است به افزایش قیمت نهایی محصولات آنها و تشدید تورم عمومی دامن بزند.

■ برق هنوز گران می‌شود، اما با سرعت کمتر

آمار اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ از بخش برق نشان می‌دهد قیمت تولید برق همچنان در حال افزایش است، اما سرعت این افزایش کاهش یافته و تورم ماهانه به‌شدت افت کرده و تورم سالانه و نقطه به نقطه هنوز بالا هستند. این نشانه‌ای از یک وضعیت در حال گذار است: از یک دوره جهش قیمتی، به سمت ثبات نسبی. اینکه این روند کاهشی در تورم ماهانه تداوم پیدا کند یا دوباره با افزایش شدید مواجه شویم، به عوامل متعددی بستگی دارد: از سیاست‌های دولت گرفته تا وضعیت منابع انرژی، مصرف مردم و تحولات اقتصادی جهانی.